

دیدگاه های شیعه و سنت درباره امام مهدی بررسی وجوه شبهات

تفاوت های این دو دیدگاه

سمانه امامی

چکیده

اصولاً در ساختار هندسی هر دین و آیینی، رهبری و امامت عمده است، چنانچه مواجه با نابودی شود کیان و هستی آن از بین می‌رود. از این زاویه دید ساختاری، بنیاد اسلام بر امامت بعد از توحید و نبوت است و همه فرق مسلمین آن را قبول دارند که در جای خود خواهد آمد. بدون شک مهدویت رمز وحدت مسلمین است، اما به دلیل دخالت عناصر مرموز، دستخوش چالش فرقه‌گرایی شده است که تشکیک در مهدویت و یا انکار مهدویت است. این‌ها مدعی‌اند که در اسلام اساساً مهدویت وجود ندارد؛ و بر فرض که مهدویت درست باشد دو تا مهدی داریم: یکی مربوط به اهل سنت است و دیگری ساخته و پرداخته شیعیان می‌باشد. در پاسخ باید اذعان نمود که با دقت در کتب صحیح احادیث اعم از شیعه و سنی متوجه می‌شویم که احادیث مهدویت متواتر است و امام مهدی (ع) هم واحد است و نیز رمز وحدت مسلمین وجود مبارک امام مهدی (ع) است. کلید واژه‌ها: شیعه، سنت، امام مهدی

مقدمه:

دین اسلام مسأله مهدویت را تنها یک ایده و تفکر خیالی که بشارت قیام رهبری مبهم در آینده نامعلوم جهت رهایی بشریت از ظلم و جور را می‌دهد مطرح نساخته است. بلکه آن را به عنوان یک موضوع اعتقادی که دارای نشانه و علائم روشن و پا برجای است مطرح نموده است. این اعتقاد بین شیعه و اهل سنت تفاوت‌هایی دارد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران شهر، مسئله مهدویت و عقیده به مهدی (عج) منتظر در بین مسلمانان اهمیت زیادی دارد و این مطلب اختصاص به شیعه ندارد، بلکه اهل سنت در این موضوع به طور عموم با شیعه موافقت دارند و روایات زیادی که به حد تواتر معنوی می‌رسد، درباره حضرت مهدی (عج) نقل می‌کنند. احادیثی که در رابطه با حضرت مهدی (عج) در نظر اهل سنت به تواتر معنوی رسیده بالغ بر صد حدیث است و در تمامی این احادیث به ظهور حضرت مهدی (عج) اشاره شده است. آنان معترف اند بالغ بر بیست نفر از صحابه، از زبان پیامبر اکرم (ص) در رابطه با حضرت مهدی (عج) روایت نقل کرده اند که همه اینها در بسیاری از منابع معروف اسلامی و متون اصلی حدیثی اعم از: سنن، معاجم، مسانید، مانند: سنن ابوداود، سنن ترمذی، ابن ماجه، مسند احمد، صحیح حاکم، بزاز، معجم طبرانی، دیده می‌شود.

از منابع و گفته های علمای اهل سنت، می توان برداشت کرد که مهدی (عج) از اولاد فاطمه (س) است و ظهور خواهد نمود. علمای اهل سنت در رابطه با موضوع ظهور این گونه اظهار نظر کرده اند:

راجع به ظهور مصلح آخرالزمان در میان اصحاب و تابعین از قرن اول هجرت و بعد از آن تا به امروز خلافتی نبوده و همه (علمای اهل سنت) بر ظهور آن حضرت اتفاق داشته و دارند و اگر کسی در صحت احادیث آن و صدور این بشارت از پیامبر اسلام (ص) تردید می کرد، حمل بر عدم استقامت یا بی اطلاعی او می کردند. به همین جهت تاکنون کسی مدعیان مهدویت را به انکار اصل ظهور حضرت مهدی (عج) رد نکرده است. در این راستا سویی می گوید: آنچه بر آن اتفاق دارند این است که مهدی (عج) آن کسی است که در آخرالزمان قیام می فرماید و زمین را پر از عدل و داد می کند.

خیرالدین آلوسی یکی دیگر از علمای اهل سنت می گوید: بر اساس صحیح ترین گفته ها نزد اکثر اندیشمندان ظهور مهدی (عج) از جمله نشانه های قیامت است و نظر برخی از اهل سنت که آمدن وی را انکار نموده اند فاقد ارزش و اعتبار است.

کتاب های متعدد و متنوعی درباره ظهور آن حضرت از سوی علمای اهل سنت تألیف شده است، به گونه ای که شیخ محمد ایروانی در کتاب الامام المهدی (عج) می نویسد: اهل سنت، کتاب های متعددی در گردآوری روایات مربوط به امام مهدی (عج) و این که در آخرالزمان شخصی به اسم مهدی (عج) ظهور خواهد کرد، نوشته اند. تا حدی که من اطلاع دارم اهل سنت بیش از سی کتاب در این باره تألیف کرده اند. هر چند این مسئله مورد اتفاق اهل سنت و شیعه است، اما تعداد انگشت شماری از اهل سنت احادیث مربوط به امام مهدی (عج) را ضعیف می انگارند. مثلاً ابن خلدون در تاریخ خود این احادیث را ضعیف می شمارد و یا رشید رضا (مؤلف تفسیر المنار) در ذیل آیه سی و دوم سوره توبه به ضعیف بودن احادیث مربوط به مهدویت اشاره می کند. البته، این دو دلیلی بر ادعای خود نیاورده اند و تنها به مطالبی واهی استناد کرده اند. سخنان آن دو از سوی دیگر علمای اهل سنت به شدت رد شده است. در تألیفات علمای شیعه نیز به آن دو پاسخ داده شده است. خود ابن خلدون در بیان عقیده مسلمانان در مورد امام مهدی (عج) می نویسد: مشهور بین همه اهل اسلام این است که حتماً در آخرالزمان مردی از اهل بیت (ع) ظهور می کند که دین را حمایت و عدل را آشکار می کند و مسلمانان از او پیروی می کنند و او بر ممالک اسلامی استیلا می یابد. آن شخص مهدی (عج) نامیده می شود. بنابراین، ضعیف شمردن احادیث از سوی وی خدشه ای بر اتفاق نظر اهل سنت در مورد ظهور مهدی (عج) وارد نمی کند؛ زیرا این اعتقاد ناشی از کثرت احادیثی است که از طرق عامه نقل شده است.

در زیر به ذکر برخی از کسانی که این گونه احادیث را در کتاب های خود آورده اند می پردازیم. هر چند تقریباً می توان ادعا کرد که تمام کتاب های معتبر حدیثی اهل سنت حداقل چند مورد از احادیث امام مهدی (عج) را ذکر کرده اند: ۱. ابن سعد (متوفی ۲۳۰ هـ)؛ ۲. ابن ابی شیبہ (متوفی ۲۳۵ هـ)؛ ۳. احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱ هـ)؛ ۴. بخاری (متوفی ۲۵۳ هـ)؛ ۵. مسلم (متوفی ۲۶۱ هـ)؛ ۶. ابن ماجه (متوفی ۲۷۳ هـ)؛ ۷. ابوبکر اسکافی (متوفی ۲۷۳ هـ)؛ ۸. ترمذی (متوفی ۲۷۹ هـ)؛ ۹. طبری (متوفی ۳۸۰ هـ)؛ ۱۰. ابن قتیبہ دینوری (متوفی ۲۷۶ هـ)؛ ۱۱. حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵ هـ)؛ ۱۲. بیهقی (متوفی ۴۵۸ هـ)؛ ۱۳. خطیب بغدادی (متوفی ۴۶۳ هـ)؛ ۱۴. ابن اثیر جزری (متوفی ۶۰۶ هـ). یکی دیگر از علمای اهل سنت می نویسد: روایات

فراوانی درباره مهدی (عج) وارد شده که به حدتواتر می رسد. این امر در میان علمای اهل سنت شیوع دارد، به گونه ای که از جمله معتقدات آنان به شمار می آید. نیز یکی دیگر از علمای اهل سنت نوشته است: احادیث مهدی (عج) به طرق گوناگون و متعدد از صحابه نقل و بعد از آنان از تابعان نقل شده است، به گونه ای که مجموع آنها مفید علم قطعی است. به همین دلیل ایمان به ظهور مهدی (عج) واجب است، همان گونه ای که این وجوب در نزد اهل علم ثابت بوده و در عقائد اهل سنت و جماعت مدون شده است. ابن کثیر نیز در البدایه و النهایه می گوید: مهدی (عج) در آخرالزمان می آید و زمین را پر از عدل و قسط می کند همان گونه که پر از جور و ظلم شده است. ما احادیث مربوط به مهدی (عج) را در جلد جداگانه ای گرد آوریم همان گونه که ابوداود در سنن خود کتاب جداگانه ای را به آن اختصاص داده است. از این مطالب که از بزرگان اهل سنت نقل شد، معلوم می شود که مسئله مهدویت و اعتقاد به ظهور مهدی (عج) جزو عقاید ثابت اهل سنت و جماعت است و احادیث مربوط به ظهور آن حضرت در میان آنان به حد تواتر رسیده است.

چرایی انکار امام مهدی(ع)

در همین راستا یعنی «نفی دین اسلام»، دست به کار شده که اصل مهدویت را کنار بزنند تا به زعم خودشان با ساختن دنیای بدون منجی دینی به نیت استعماری شان دست یابند. متأسفانه در شرایط حاضر، جهان اسلام شاهد پروسه مرموز و مشکوک انکار مهدویت می باشد.

دلیل عمده این توطئه، بالندگی روزافزون اسلام ناب محمدی به رهبری ابراهیم زمان امام خمینی(ره) و خلف بر حقش امام خامنه ای (دام ظلّه العالی) می باشد. البته قابل یادآوری است که پروسه نفی مهدویت از ابداعات شیطانی غرب می باشد. از ده ها سال پیش، فرهنگ سازان و اندیشه پروران سینمای هالیوودی دست به کار شده اند و صدها حلقه فیلم ضد مهدویت را و یا باصطلاح منجی گرایانه را در قالب هنرهای هفتم، پدید آورده اند. صحنه های اکشن این فیلم ها اساساً باورهای نوجوانان و جوانان را آماج خود قرار می دهد که روندی بسیار قابل تأمل برای متفکران و اندیشمندان اسلام و مشرق زمین است. موج فیلم های منجی گرایانه آمریکایی و در اصل یهودی، چیزی جز مبارزه با اندیشه پاک مهدویت نیست. پیام نهایی این گونه منجی سازی آمریکایی، ایجاد بدیل کاذب برای بشریت است که در جای خود باید بررسی گردد.

چگونگی انکار امام زمان

دقیقاً در ادامه توطئه هالیوودی-آمریکایی ایادی مرموز صهیونیستی در دنیای اسلام دست به کار شده اند. این ها با پشتوانه پنهان و آشکار استکبار جهانی با هدف ضربه زدن به اسلام راستین محمدی به میدان آمده اند و سردمداران انکار اصالت مهدویت در متون دینی اسلامی گردیده اند.

استراتژی فرقه گرایانه

راهبرد تاریخی استعماری در خاورمیانه طبق معمول نزاع مذهبی است که مشتری فروان دارد و متولی آن سلفی گری یا وهابی گری جزیره العرب است. یکی از این ها چنین می نویسد:

«بانیان اصلی اندیشه مهدویت شیعیان هستند و هسته اصلی تشیع بر مبنای امامت امام دوازدهم و مهدی منتظر محمد بن حسن عسکری استوار می‌باشد؛ که متأسفانه در تعامل روزمره اجتماعی مانند هم‌نشینی و دوستی و رفت و آمد شیعه و سنی در مرور زمان به اعتقاد اهل سنت نیز سرایت کرد تا که به مهدویت ایمان آوردند تا بخشی از عقیده آن‌ها (سنی‌ها) شد، در حالی که اصل عقیده اهل سنت بری و خالی از مهدویت می‌باشد». (وإن أصل من تبني هذه الفكرة يعني فكرة المهدى والعقيدة هم الشيعة؛ و در صفحه ۳۰ از کتاب لامهدی ينتظر بعد الرسول خيرالبشر: والمهدى فى مبدأ دعوة واحد وليس باثنين فلم يقل أحد أنهما مهديان وإنما هو مهدى واحد تنازعت أفكار الشيعة وأفكار بعض أهل السنه فكل لوم أو ذم ينحى به على الشيعة لإيمانهم بإمامهم محمد بن الحسن الذى هو فى السرداب فإنه ينطبق بطريق التطابق والموافقه على أهل السنه الذين يصدقون بالمهدى المجهول فى عالم الغيب فهما فى فساد الاعتقاد به سيان. انتهى)

راهبرد تفرقه‌آمیز مهدویت ستیزی، در دو راهکار شکل گرفته است

۱- انکار تام و تمام مهدویت؛

۲- مهدویت ساخته و پرداخته شیعیان.

منکران مهدویت

منکران مدعی‌اند که احادیث و اخبار مهدویت نادرست می‌باشد چون در صحیح بخاری و صحیح مسلم دو کتاب عمده حدیثی اهل سنت احادیث مهدویت نیست؟ پژوهه پیش روی در نظر دارد با این منکرین جدال علمی نماید لذا روش تحقیق به اقتضای مباحثی شکل می‌گیرد که بقرار زیر است:

علم حدیث

استراتژی عمده این پژوهه در مقام اثبات نقلی و بر مبنای اصول علم حدیث است و گفتمان درون دینی و علم الحدیثی خالص است و در ادبیات خاص و گفتمان اهل سنت اجرا می‌شود که هدف رساله می‌باشد. مباحث حدیثی مورد نظر تقریبی است «پاسخ به منکران احادیث امام مهدی(ع)» در مقیاس‌های حدیثی اهل سنت و امامیه اجرا می‌گردد، ماهیت تقریبی دارد و از احادیث سنی به مثابه نکات اصلی و پرکننده این زنجیره ریاضی استفاده می‌شود؛ و ثابت می‌شود که ترسیم شکل منطقی از دین اسلام، تنها با مهدویت میسر است که نقطه تلاقی و اوج کمال تشریع در سایه تکوین می‌باشد و غایت و هدف خلقت انسان را بر روی زمین نشان می‌دهد.

قطر سرزمین توطئه

امیرنشین کوچک قطر با رژیم وهابی، که از برکت نفت سرمست‌اند اساساً در تاریخ منطقه و خاورمیانه اسلامی فاقد تبار و پیشینه می‌باشند و تنها سند معتبری که نشانه موجودیت سیاسی‌شان است، منوط به استعمارگران انگلیسی و جایگزینی اربابان سابق در اوایل دهه هفتاد میلادی است. با توجه به این پیشینه استعماری، دور از انتظار نیست که امیرنشین قطر مرکز توطئه تفرقه‌افکنانه روباه پیر (انگلستان) در میان

مسلمین باشد. در این رابطه کتابی به نام «لا مهدی ینتظر بعد رسول الخیر البشر» به چاپ رسانیده شد. مؤلف کتاب، نخست احادیث امام مهدی(ع) را ضعیف می‌شمرد و بعد یکسره مهدویت را در اسلام انکار می‌نماید.

دلیل منکرین احادیث امام مهدی(ع)

چنانچه یکی از منکرین امام زمان(ع) (بن محمود، لامهدی ینتظر بعد رسول خیرالبشر، صص ۸ و ۲۶ و ۳۱ و ۳۹، نقل عن کتاب، عقیده اهل السنه و الاثر فی المهدی المنتظر: الشیخ عبد المحسن العباد معاصر بحث فی ۳۸ صفحه نشرته مجله الجامعه الاسلامیه المدینه المنوره العدد الثالث السنه الاولی ذوالقعدة ۱۳۸۸) گوید: یکی از اسباب مهم ضعف احادیث امام مهدی نیامدن در صحیحین بخاری و مسلم است. اگر چنانچه این احادیث قوت سندی می‌داشت و صحیح می‌بود حتماً شیخین بزرگ علم حدیث، امام بخاری و امام مسلم، متعرض آن می‌شدند و حالا که آن‌ها را کرده‌اند پس احادیث مهدویت نادرست تلقی می‌شود. لازم به ذکر است که تکیه ایشان بر صحیحین بخاری و مسلم مبتنی بر خوانش جماعت حدیث اهل سنت از صحاح مزبور می‌باشد که صحیحین را معتبر می‌دانند و اصولاً در برابر احادیث صحیحین سر تسلیم فرود می‌آورند. در حالی که این اعتبار و درجه صحت طبق گفته خود بخاری و مسلم و نیز علمای برجسته اهل سنت مجازی است و نه حقیقی، چنانچه این مطلب بعداً در پژوهه پیش رو خواهد آمد.

گفتمان حدیثی اهل سنت

قبل از هر سخنی قابل یادآوری است که اشکال یا شبهه مزبور طبق گفتمان حدیثی برادران اهل سنت آمده است. لازم است که بطلان آن هم بر گفتمان حدیثی اهل سنت استوار باشد. چون اگر بخواهیم حوزه یک شبهه را از جایگاه دانش شناختی و یا معرفتی که دارد به حوزه دیگری ببریم راه درست را نرفته‌ایم و شاید نوعی القاء جدل و سفسطه باشد. مثلاً اشکال علمی را با داده‌های نقلی پاسخ دهیم و یا برعکس برای مستندات نقلی و حدیثی سراغ علم دیگری برویم. ممکن است این رویکردها درست باشد اما نمی‌تواند برای اشکالی که در حوزه خودش طرح شده است جواب کافی باشد. لذا چون اشکال طبق منابع و منطق حدیثی اهل سنت درج شده است لازم است که بر همان منوال یا گفتمان حدیثی اهل سنت پاسخ داده شود.

احادیث صحیح نزد اهل سنت

اولاً باید بگویم که قاعده انحصار احادیث صحیح در صحیحین بخاری و مسلم برخلاف نظر شیخین بزرگ حدیث است زیرا انحصار صحت حدیث در نظر آن‌ها مجازی است تا حقیقی و برای تشریح مطلب به نکات ذیل می‌پردازیم:

۱. شیخین بزرگ حدیث آقایان بخاری و مسلم هرگز مدعی نشده‌اند هر آنچه حدیث درست و صحیح است حتماً در کتاب‌هایشان آمده است و هر آنچه که بیرون مانده نادرست است.
۲. هیچ دانشمندی از اهل سنت همچنین قاعده و سخنی را از آن‌ها روایت نکرده است.
۳. حتی عکس این پندار از امام بخاری و امام مسلم در متون حدیثی اهل سنت آمده است:

برخلاف ادعای منکران امام مهدی(ع) برخی از احادیث امام مهدی(ع) در اصل از صحیحین است؛ مانند این حدیث که در صحیح مسلم آمده است:

«عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، يَقُولُ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ، ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، قَالَ: فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ: تَعَالَى صَلِّ لَنَا، فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ، تَكْرِمَهُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ». (صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۵)

از جابر(رض) می‌گوید: از پیامبر اکرم(ص) شنیدم که می‌گفت: هنوز باقی می‌ماند دسته‌ای از امت من که در راه حق پیکار می‌کنند و تا روز قیامت و آن وقت که عیسی بن مریم(ع) از آسمان به کمکشان نازل می‌شود، پس امیر مجاهدین به عیسی(ع) می‌گوید بیا امامت جماعت را در نماز بر دوش بگیر، ولی عیسی(ع) جواب می‌دهد که خیر، چون یکی از شما بر دیگران امیر هستید و خداوند آن امارت را به نشانی کرامت این امت قرار داده است».

هر چند نام امیر مسلمین در حین نزول عیسی بن مریم(ع) در حدیث جابر ذکر نشده است، اما در جای دیگر از متون صحاح اهل سنت نام این امیر که عیسی بن مریم(ع) به او اقتداء می‌کند به نام مبارک مهدی(ع) ذکر شده است؛ و آن در همین حدیث جابر در نزد حارث بن ابی أسامه است که به این شرح است:

«عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، يَقُولُ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ الْمَهْدِيُّ: تَعَالَى صَلِّ بِنَا. فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَهُمْ أَمِيرُ بَعْضٍ، تَكْرِمَهُ اللَّهُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ». (فيض القدير، ج ۶، ص ۱۷)

پس امیر مجاهدین که مهدی(ع) است، به عیسی(ع) می‌گوید، بیا امامت جماعت ما را در نماز بر دوش بگیر، ولی عیسی(ع) جواب می‌دهد که خیر، چون یکی از شما (یعنی مهدی) بر دیگران امیر هستید و خداوند آن امارت را به نشانی کرامت این امت قرار داده است.

حتی ابن قیم در اثرش بنام «المنار المنيف» که در مواردی رویکرد دارد و حتی بر برخی از احادیث امام مهدی(ع) خرده می‌گیرد نیز این حدیث را به لحاظ صحت سند می‌پسندد و می‌گوید سند خوبی دارد.

مهدویت ساخته و پرداخته شیعیان

متأسفانه از دیگر طرفداران تئوری «مهدویت ساخته شیعه» احمد امین است. وی با آن که یک سکولار است و اساساً به دین اسلام با نگاه و متد غربی قضاوت می‌کند، باز هم نمی‌تواند رگه‌های سلفی‌گری خودش را کتمان نماید و یک‌طرفه نزد قاضی رفته و بی‌محابا مهدویت را مجعول شیعیان می‌خواند. احمد امین در کتاب معروف خودش به نام «ضحی‌الاسلام» جلد سوم صفحه ۲۴۱ چنین می‌نویسد.

اندیشه مهدویت برخاسته از زمینه‌های سیاسی و جامعه‌شناختی است. به نظر من خاستگاه مهدویت اپوزیسیون تشیع علیه نظام خلافت می‌باشد زیرا که نخستین بنیان‌گذاران مهدویت هستند چون زمام خلافت از دستشان گرفته و خارج شده بود.

باز در جلد سوم صفحه ۲۴۳ می‌نویسد: رهبران چیره‌دست شیعه اندیشه عمومی مردم ساده‌دل را بازیچه خود قرار دادند و به‌خصوص آنانی که تشنه دعوت اسلامی بودند، آن‌ها را با احادیث مهدویت به‌سوی دیگری (غیر از نظام خلافت) سوق دادند. در نتیجه از ناحیه اهل بیت طاهر نبی(ص) احادیثی را وضع کردند که مثلاً

از رسول خدا روایت کرده و حتی برایش سند درست کردند و از طرق مختلف در میان عوام الناس پخش کردند و مردم ساده دل هم آن‌ها را باور کرد و رجال بزرگ شیعه در مقابل این جعل حدیث سکوت کرد چون به نفع و مصلحتشان بود.

باز در صفحه ۲۴۴ ادامه می‌دهد: در نتیجه عقلانیت دینی مردم با احادیثی پر شد و داستان‌هایی جعل شد که نوشته‌های بزرگ را در کتب مسلمین به خود اختصاص داد و به نام ملاحم و فتن مشهور گردید. در این داستان‌ها خبر از وقایع غیبی بود که در آینده می‌بایست واقع شود مانند جنگ عرب و روم و جنگ با ترکان. همه این داستان‌های خیالی به پیامبر اکرم (ص) نسبت داده می‌شد و بخشی از آن به ائمه اهل بیت (ع) و برخی دیگر به کعب الاحبار و وهب بن منبه و همچنین کسانی دیگر. این داستان‌ها و اخبار غیبی اثر بسیار بدی در گمراهی اندیشه‌های مردم داشت تا آنجا که ملت را برده اوهام و خیالات نمود و بدتر از آن شورش‌های پی‌درپی در تاریخ مسلمان‌ها پیدا شد که باعث آن، نظریه مهدویت است چون در هر زمانی یک شورش برپا می‌گردید که شخصی خود را مهدی موعود تبلیغ می‌کرد و گروهی را به دور خودش جمع می‌کرد که باعث ناامنی و آشوب می‌گردید. تمام این‌ها پیامد اندیشه خرافی مهدویت بود، اندیشه‌ای که نه با سنت خداوند مطابقت داشت و نه در خلقت خداوند امکان داشت و نه عقل صحیح آن را می‌پذیرفت.

پاسخ

در شبهه نخست آقای احمد امین مؤلف محترم کتاب مشهور «ضحی الاسلام» که می‌گوید: «مهدویت از ساخته‌های شیعیان است و ربطی به رسول خدا ص ندارد». در برابر این ادعای بی‌جا و بسیار بی‌پایه باید گفت: سخن ایشان که مدعی تحقیق و پژوهش در کتابش است سخت دروغ است و عجیب است از کسی مانند ایشان؟ گویا هیچ سر رشته‌ای از معتقدات مسلمانان و حتی سنی‌ها ندارد. زیرا نزد اهل سنت و جماعت مهدویت بخشی از اعتقادات است که مانند دیگر مسلمات دینی آن را باور دارند.

اما این که می‌گوید: «احادیث مهدویت نزد اهل سنت وجود ندارد و ساخته دست شیعه است»؛ بسیار نادرست می‌باشد. چون ائمه حدیث اهل سنت این روایات را به صورت متواتر از پیامبر (ص) مستقیماً روایت نموده‌اند. و نکته مهم‌تر که آقای احمد امین ناآگاه است، این حقیقت است که اصولاً در علم حدیث مجادلات و مباحث فرقه زیاد کارساز نیست. بسیار از راویان حدیث نزد اهل سنت و یا شیعیان ممکن است از مذهب و مشرب فرقه دیگری باشد ولی چون رجل ثقه است از اعتبار رجالی برخوردار است.

از باب مثال: اصبع بن نباته از عاشقان و مریدان مشهور امام علی (ع) است ولی نزد راویان اهل سنت اعتبار دارد و یا سکونی از اهل سنت است اما نزد فقهای شیعه اعتبار رجالی دارد.

زیرا گستره حدیث نص محور بوده و دارای امکانیات عقلی مانند جبر و اختیار و یا حسن و قبح نیست که هر کس مختار باشد به سویی رود و هر چیزی را به سویی مشخص و روال و مشرب و ذوق خود تفسیر نماید.

سر و کار حدیث با منصوصات سنت شریفه است که از طریق روات و ثقات به دست می‌آید و چه بسا موارد زیادی است که شیعه و سنی حدیث مشترک و یا راوی مشترک دارند و از جمله آن‌ها اخبار امام مهدی (ع) است؛ و شاهد ما در این باره روات مشترکی است که نزد فریقین و یا فرق اسلامی مورد قبول است؛ مثلاً ابوسعید خدری و یا عبدالله بن عباس و اصبع بن نباته و بالاتر از همه و اصولاً ائمه معصومین (ع) اثنا عشریه

روایاتشان نزد کلیه فرق اسلامی مورد احترام می‌باشد و حتی صحابه و منسوبین مورد احترامشان نزد دیگر فرق اسلام محترم هستند.

در ادبیات علم حدیث اصطلاحی است به نام طریق روایت که بسیار اهمیت دارد. در بحث دلالت و سند حدیث حتی جابه‌جا شدن یک الف و یا حرف واو و حتی نقطه‌ای هم مورد سؤال است تا چه رسد به این که طریق و یا راوی از یک فرقه و یا طائفه و یا مذهب دیگری باشد و بخواهد برای تبلیغ مرام و ایده خود خبری در متون گروه دیگری منتقل نماید و یا بر آن‌ها تحمیل نماید. زیرا در مواردی طریق روایت چه‌بسا از خود حدیث مهم‌تر و معتبرتر است. در این که کدام طریق معتبر است بحث‌های عمده علم حدیث را تشکیل می‌دهد؛ و تا آنجا که مذاهب فقهی ائمه اربعه اهل سنت یعنی مالکیه و حنبلیه و حنفیه و شافعیه در رابطه با نحوه تلقی از احادیث با هم تعامل و تفاوت دارند و حتی پدید آمده‌اند تا آنجا که یک حدیث نزد حنبلیه به لحاظ مشرب فقهی معتبر است اما نزد مالکیه ممکن است کمتر اعتبار داشته باشد و یا حنفیه آن را به رسمیت نشناسد.

خلاصه در علم حدیث صدها کتاب وجود دارد که بعد از تفاسیر قرآن مقام دوم اهمیت در تراث مکتوب جهان اسلام را دارا می‌باشد. احادیث مهدویت نیز در این رسته قرار می‌گیرد؛ اما با یک تفاوت که اهل سنت بدون هیچ اختلافی احادیث مهدویت را معتبر می‌دانند. چون می‌دانند و اثبات نموده‌اند که همه‌شان با طرق مقبول و مورد اعتبار به نظر ائمه حدیث رسیده و آن را تقریر و یا به اصطلاح اهل حدیث اخراج کرده‌اند. ادعای آقای احمد امین بسیار بی‌مایه و بی‌ریشه است، گویا کوچک‌ترین سر رشته از علم حدیث ندارد که به راحتی در رابطه با احادیث نبوی جولان می‌دهد و رتق و فتق می‌کند؟ آن‌هم ادعا را در جایی می‌برد که هزاران عالم در طول بیش از ده قرن بر روی تکتک احادیث مهدویت زحمت کشیده‌اند. تمام افتخار این ائمه حدیث این است که سنت رسول‌الله را از نسلی به نسل دیگر منتقل نموده‌اند.

البته این گونه نیست که میان شیعه و سنی تعامل حدیثی نبوده بلکه به شرطها و شروطها که نزد اهل خبره مشخص است؛ مثلاً شیخ الطائفه علامه طوسی با ائمه حدیث اهل سنت تعامل حدیثی داشته و با امانت حدیثی را اخذ می‌کرده و یا حدیثی را در اختیارشان می‌گذارد.

در مجموع بیش از صد فقره حدیث نزد اهل سنت وجود دارد که حکایت از امام مهدی (ع) می‌نماید. این احادیث در طول قرون توسط علمای برجسته حدیث اهل سنت استخراج و در مسیر درایت علم حدیث قرار گرفته و نقح و تثبیت شده است که نه بدواً و نه نهایتاً، هیچ عالم شیعی در تولید و یا تنقیح آن دخالت نداشته و خود علمای برجسته اهل سنت امثال حاکم نیشابوری و ابن حبان بستی و مزی و ابن حجر عسقلانی و ذهبی قایماری، این احادیث را صحیح و معتبر دانسته‌اند.

اصالت تاریخی و سیر احادیث امام مهدی (ع) نزد اهل سنت

درج اصالت تاریخی کلیه احادیث مهدوی در منابع اهل سنت از حوصله این وجیزه بیرون است و از باب قاعده «ما لا یدرک کله، لا یتدرک کله» به یک مورد بسنده می‌شود، که مشتی از نمونه خروار است.

در اصطلاح علم حدیث نزد اهل سنت، حدیث مستقیم از پیامبر(ص) را «خبر» می‌نامند ولی اگر از سوی صحابه باشد «اثر» می‌گویند و مقام خبر از اثر بالاتر است. در اینجا خبری بسیار مشهور درباره امام زمان «مهدی منتظر(عج)» از اهل سنت که در ده‌ها سند معتبر از آن‌ها در کتب حدیث آمده است نقل می‌کنم و بعد از ذکر مصادر و تقریر ائمه حدیث اهل سنت در توالی عصور و قرون حدیث قضاوت را بخوانندگان محترم واگذار می‌نمایم.

هر فرد با انصاف خود می‌تواند قضاوت نماید که آیا این حدیث ساخته و پرداخته شیعیان است؟ آیا این حدیث را نخست عالمان شیعی استخراج کرده و بعد به خورد اهل سنت داده‌اند؟ آیا این حدیث را عالمان شیعی طی سالیان بعد به متون اهل سنت اضافه کرده‌اند؟ اینک شما اصل خبر را ملاحظه نمایید و بعد سیر خبر را در متون حدیثی معتبر اهل سنت از قرون اولیه هجری تا قرون معاصر و روزگار ما، ملاحظه نمایید.

نتیجه‌گیری

با توجه به فرازهای یاد شده در صفحات گذشته، به این جمع‌بندی و نتیجه می‌رسیم:
یک: ملت‌ها و دولت‌های اسلامی در برابر دام خطرناکی قرار گرفته‌اند و آن عبارت است از انکار امام زمان(ع) در قرن معاصر.

دو: روشن است که انکار مهدویت جزئی از یک برنامه کلان ضد دینی است که در غرب به راه افتاده است و هدف از آن دور نمودن مسلمانان از اعتقادات دینی و مذهبی می‌باشد آن‌ها تلاش می‌کنند که با انکار امام زمان(ع) آخرین سکوی اعتقادی مسلمانان را نابود کرده و راه را به سوی الحاد و بی‌دینی هموار کنند.
سه: آنچه که امروز سلفی‌های عربستان سعودی و قطر انجام می‌دهند، بیانگر ماهیت پلید خودشان و اربابان استعمارگری است که قرن‌ها بر کشورهای اسلامی سلطه داشتند و ثروت و هستی مسلمانان را به غارت بردند بنابراین اقدام اخیر وهابیان جزیره‌العرب دایر بر انکار امام زمان(ع) هدفی جز همراهی با غرب نیست آن‌ها می‌خواهند که آخرین خیانت را به دین و ایمان مسلمین فرود آورند تا بتوانند بهترین خدمت را برای اربابان گذشته خود بنمایند.

چهار: سلفیان در عربستان سعودی و قطر و سایر جاها می‌کوشند تا عملاً ثابت کنند چیزی به نام امام مهدی(ع) در احادیث اسلامی وجود ندارد و اگر وجود دارد، اخباری نادرست و باطل می‌باشد چنانچه این یاهوگویی‌ها در صفحات گذشته، خدمت خواننده‌های عزیز عرضه گردید.

دسته دیگر از وهابیان ادعا می‌کنند که بله در اسلام امام مهدی(ع) هست ولی مهدی که نزد مسلمانان سنی هست غیر از امام مهدی است که نزد شیعیان است.

این‌ها می‌خواهند با القای این موضوع که در جهان اسلام دو مهدی وجود دارد که یکی مورد قبول شیعیان و دیگری مورد قبول اهل سنت است، مهدویت را، تکه‌تکه نمایند. و حالا اگر با حربه انکار امام مهدی(ع) به جایی نرسد سعی می‌کنند از باب تفرقه‌اندازی به استعمار خدمت کنند.
بنابراین هدف از نگارش این مقاله این است که:

اولاً: از اصالت و صحت احادیث امام مهدی(ع) در متون حدیثی شیعه و سنی دفاع نماییم که این امر به اختصار در صفحات قبل آمد.
ثانیاً: با استعانت از درگاه خدای متعال، در صفحات پیشین فرازهای مشترک و واحد از مهدویت که شیعه و سنی در آن اتفاق نظر دارند ذکر نماییم.

منابع

عبدالله بن محمود، لامهدی ينتظر بعد رسول خير البشر.
الشيخ عبد المحسن العباد، عقيدة أهل السنة و الاثر في المهدى المنتظر، المدينة المنورة، چاپ ۱۳۸۸ قمری.
عمرو ابن الصلاح الشهْرزُوري، عثمان بن عبد الرحمن، معرفة أنواع علوم الحديث.
عثمان بن عبد الرحمن، أبوعمر، تقى الدين المعروف بابن الصلاح، معرفة أنواع علوم الحديث، دار الكتب العلمية الطبعة: الأولى سنة النشر: ۱۴۲۳ هـ / ۲۰۰۲ م.
محيى الدين أبو زكريا يحيى بن شرف الحوراني الشافعي النووي، أبو زكريا.
محمد بن محمد بن أحمد بن إسحاق، أبو أحمد النيسابوري الكرابيسي معروف بالحاكم الكبير، المستدرک على الصحيحين.
الذهبي ، شمس الدين أبو عبد لله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَائِمَاز، التُّركمانى الأصل ثم الدمشقى، تاريخ الإسلام.
أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني، نخبه الفكر فى مصطلح أهل الأثر.
أحمد أمين، ضحى الإسلام.
ابى بكر عبد الرزاق بن همام الصنعانى، المصنف، المكتب الاسلامى، بيروت.